



## معرفی ادبیات و دایبی-کهن ترین متون باقی مانده از قوم هند و ایرانی

محمدجواد شمس (دکترای ادیان و عرفان - واحد علوم و تحقیقات)

همچنان‌که در اسلام، به گفته پل نویا، همه چیز از قرآن آغاز می‌شود، (نویا ۱۳۷۳، ص ۷-۸، ۱۸) در هندویی نیز همه چیز از وداها و ادبیات و دایبی شروع می‌شود. نفوذ و اقتدار وداها در تمامی دوره‌های تاریخی و نزد همه فرقه‌های هندویی محفوظ مانده و، با آنکه تاریخ دینی هند از زمان تمدن و دایبی تاکنون متحمل تغییرات بسیاری شده، این آثار همواره اقتدار و مرجعیت دینی خود را حفظ کرده است تا آنجا که حتی امروزه نیز همه آیین‌ها و تکالیف دینی و اجتماعی هندوان از جمله تولد، ازدواج، مرگ به آیین و دایبی کهن انجام می‌گیرد. نیایش‌هایی که برهمنان سه بار در روز می‌خوانند از همان اشعار و دایبی برگرفته شده که دو یا سه هزار سال پیش خوانده می‌شدند. اعتبار ادبیات و متون سنسکریت و بسیاری از مکاتبی که بعد از عهد وداها پدید آمدند بر وداها مبتنی بود و پیروان آن مکاتب برتری و تفوق خود را مدیون پیروی صادقانه از وداها می‌دانستند. بدین سان، وداها همواره، از کهن‌ترین دوران تاکنون، سرچشمه تقریباً همه مکاتب دینی و حتی فلسفی هندوان بوده و بر تاریخ دینی آنان سایه افکنده (Dasgupta 1969, vol. 1, pp. 10-11) تا آنجا که لوئی رنو هندویی را مبتنی بر وداها و ادامه آن شمرده است. (RENOU 1961, p. 21)

ودا، به معنای عام، نام کتاب و اثر خاصی نیست بلکه عنوان نوشته‌ها و ادبیات کهنی است که در یک دوره طولانی - بیش از دو هزار سال - گسترش داشته است. (Dasgupta

1969, vol. 1, pp. 11-12; Dandekar 1995, p. 214; Heesterman 1995, p. 218)

ادبیات ودایی شامل سَمهیتا<sup>۱</sup>ها، براهمنه<sup>۲</sup>ها، آرنیکه<sup>۳</sup>ها و اوپنیشاد (اوپنیشد<sup>۴</sup>) هاست (Macdonell 1958, p. 601; → Dasgupta 1969, vol. 1, p. 12). کسانی سوتره<sup>۵</sup>ها و ودانگه<sup>۶</sup>ها را نیز بدین مجموعه افزوده‌اند (Dandekar, ibid; Heesterman, ibid; Macdonell, ibid). قدیم‌ترین و مهم‌ترین اثر این دوره، وداهای چهارگانه یعنی ریگ ودا<sup>۷</sup>، سامه ودا<sup>۸</sup>، یجورودا<sup>۹</sup>، آتھروه ودا<sup>۱۰</sup> است، که از آن میان ریگ ودا قدمت و اهمیت بیشتری دارد. ودا از ریشه vid، به معنی «دانش و معرفت» است. گفته‌اند که وداها دربردارنده همه علوم و دانش‌هاست (Dandekar, ibid). وداها نخستین آثار برجای مانده از نژاد هند و اروپایی است (Dasgupta 1969, vol 1. p. 10). تاریخ دقیق پیدایش آنها دانسته نیست و حتی درباره اصل و منشأ آنها نیز میان هندوان و هندوپژوهان غربی اختلاف نظر است. به گفته داشگوپتا، در این باره اظهارنظرهای مهمی شده اما هیچ‌یک از آنها مقرون به صواب نیست؛ زیرا هندوان باستان گزارش‌های تاریخی آثار ادبی، دینی و سیاسی خود را به ندرت حفظ و ثبت می‌کردند. (Ibid)

مکس مولر<sup>۱۱</sup> تاریخ پیدایش وداها را ۱۲۰۰ ق م حدس زده، هوگ<sup>۱۲</sup> ۲۴۰۰ ق م، و بال‌گنگادھر تیلک<sup>۱۳</sup> ۴۰۰۰ ق م. مکدانل<sup>۱۴</sup>، با توجه به خویشاوندی میان اوستا و وداها، تاریخ تقریبی پیدایش وداها را ۱۲۰۰ ق م دانسته است (Ghosh 1988, p. 229 → ibid؛ شایگان ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۰-۳۱). در حالی که هندوان معتقدند وداها ساخته و پرداخته انسان‌ها نیستند بلکه ازلی و آپوروشیه<sup>۱۵</sup> اند و بر فرزندانگان<sup>۱۶</sup> و رشی<sup>۱۷</sup>ها نازل شده‌اند و کاتبان آنها در اصل مشاهده‌کنندگان<sup>۱۸</sup> و یا دریافت‌کنندگان<sup>۱۹</sup> آنها بوده‌اند و، از این رو، آنها را

1) Samhitā                      2) Brāhmaṇa                      3) Āraṇyaka                      4) Upaniṣad

5) Sūtra

۶) Vedāṅga در لغت به معنای «شاخه و عضو وداها» و شامل ۶ رساله است که به عنوان کمکی و بخش مکمل وداها به شمار می‌رود. (→ A Dictionary of Hinduism, P. 329)

7) Ṛg-Vedā                      8) Sāma-Vedā                      9) Yajur-Vedā                      10) Atharva-Vedā

11) Max Müller                      12) Haug                      13) BālGaṅgādhara Tilak

14) Macdonell                      15) apauruṣeya (یعنی بدون واسطه انسان، مافوق انسانی)

16) Sages

۱۷) Rishi یا Ṛṣi؛ به معنای «مشاهده‌کننده» و نیز «اهل بصیرت». (→ A Dictionary of Hinduism, pp. 251-252)

۱۸) seer به معنی «اهل بصیرت» یا «پیشگو»، که در اینجا به «مشاهده‌کننده» ترجمه شده است. آنان را همچنین

متره‌درشتا (mantradrastā) خوانده‌اند. (Dasgupta 1969, vol.1, p.10)

۱۹) discoverer در اینجا به معنای «دریافت‌کننده» آمده است.

شروتی<sup>۲۰</sup> - یا به گفته برخی مُنزل (شایگان ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۳۲) - خوانده‌اند. (Dasgupta 1927, p. 3; Dandekar, ibid; → Renou 1961, ibid, p. 22; Heesterman 1995, p. 218)

شروتی، در لغت، به معنای «شنیدن» و «گوش دادن» است و، در اصطلاح، بر دانش مقدّس ودا اطلاق می‌شود که رشی‌ها یا فرزندانِ باستان آن را شنیده‌اند. این آثار به طور شفاهی و از طریق برهمنان و روحانیان از نسلی به نسلی دیگر انتقال یافت. عده‌ای نیز معتقدند، چون وداها به طور شفاهی از طریق استاد به شاگرد منتقل می‌شدند، شروتی خوانده شده‌اند (Dandekar, ibid). چنان‌که برخی گفته‌اند، در آغاز، فقط بخش‌های مَتره<sup>۲۱</sup> و براهمنه وداها شروتی خوانده می‌شد، اما بعدها این عنوان بر اوپنیشادها و آثار دیگر نیز اطلاق شد. به هر حال، وداها از نظر هندوان، مقدّس و فوق‌انسانی‌اند و فقط کسانی می‌توانند آنها را بخوانند و بفهمند که تعلیم‌یافته معلمان و روحانیان باشند. (A Dictionary of Hinduism, p. 286; Dasgupta 1969, vol. 1, pp. 10-13)

به نوشته پاتنجلی<sup>۲۲</sup>، واژه‌ها و کلمات وداها ازلی نیستند بلکه فقط دانش و تعالیمی که از طریق آنها منتقل می‌شود ازلی‌اند؛ اما متفکرانِ مکتبِ ودانته کلمات وداها را نیز مقدّس شمرده و آن را به نفس انسان تشبیه کرده و گفته‌اند که همچون نفس از خداوند صادر شده‌اند. از جمله، در آغازِ موندکه اوپنیشاد<sup>۲۳</sup> آمده است:

به قولِ آتْهرون<sup>۲۴</sup>، نخستین زاده برهمن دانش برهمن را - که اصل همه علوم است - فاش ساخت. علم برهمن، که برهما آن را آموخت، هم والانر و هم فروتر است. (Upanishads, p. 268; The Principal Upanishads, p. 671)

اساس و ذاتِ خردِ ودایی صدایِ «اُم» (om) یعنی صدای برهمن است. پس از آن، این هجای مقدّس به صور مصوّت‌ها و صامت‌های الفبا درآمد و به یاری این مصوّت‌ها و صامت‌ها بود که برهما کلمات را پدید آورد. او وداها را به شاگردانش، مَریچی<sup>۲۵</sup>، آتری<sup>۲۶</sup>، آنگیرا<sup>۲۷</sup> و دیگران آموخت و، بدین ترتیب، وحیِ ودایی<sup>۲۸</sup> نازل شد. چنان‌که داسگوپتا اشاره کرده، هر چند تاریخ دینی هند از عصر ودایی تاکنون

20) śrutī                      21) mantra                      22) Patanjali                      23) Muṇḍaka Upaniṣad  
24) Atharvan نام یکی از روحانیانِ هندویی است؛ او نخستین کسی است که آتش را می‌افروزد و پرستش آن را آغاز می‌کند و نیز سومه (هومه) تقدیم می‌دارد. (→ A Dictionary of Hinduism, p. 29)  
25) Marichi                      26) Atri                      27) Angirā                      28) Vedic revelation

معروض تحولات بسیاری شده، وداها همچنان نزد همه گروه‌ها و فرقه‌های هندو محترم و از اقتدار و مرجعیت دینی گران‌سنگی برخوردار است. امروزه نیز هندوان همه وظایف دینی و آیین‌های مذهبی خود را مطابق با احکام وداها انجام می‌دهند و زندگی هندوی معتقد دورنمایی است از زندگانی ودایی که در همه دوره‌ها پرتوافکن بوده است.

(Dasgupta 1969, vol. 1, pp. 10-11; RENOU 1961, p. 21)

وداها به اعتبارات متعدّد قابل تقسیم‌اند. عمومی‌ترین تقسیم‌بندی آنها به اعتبار موضوع - گرمه کاندّه<sup>۲۹</sup> (طریق عمل) و جنانه کاندّه<sup>۳۰</sup> (طریق علم) - انجام گرفته است. گرمه کاندّه، با گرمه (اعمال عبادی، آیین‌ها، شعائر، قربانی‌ها و نظایر آنها) ربط دارد و هدف آن کسب خوشبختی در این دنیا و سعادت‌مندی در آسمان (آن جهان) و پس از مرگ است. جنانه کاندّه با جنانه (دانش و خرد) مربوط است. شخص، از طریق آن، از جهل و نادانی آزاد می‌شود و توانائی درک خیر مطلق را می‌یابد.

هریک از چهار ودا شامل دو بخش است: منتره‌ها و براهمنه‌ها. منتره‌ها، که آنها را سمهیتا<sup>۳۱</sup>‌ها نیز نامیده‌اند (HEESTERMAN 1995, p. 219)، شامل نیایش‌ها و سرودها، و براهمنه‌ها دربردارنده قوانین و مقررات قربانی است. به اعتقاد هندوان، هم منتره‌ها و هم براهمنه‌ها برای پرستش درست و شفاعت خدایان لازم شمرده می‌شدند. پس از آن، آرنیکه‌ها، موسوم و معروف به رساله‌های جنگل، که شرح و بسط براهمنه‌ها بودند، پدید آمدند. این رساله‌ها مخصوص کسانی بود که از مردم و جامعه کناره می‌گرفتند و در جنگل‌ها عزلت می‌گزیدند. این جنگل‌نشینان دیگر مجبور به ادای مراسم قربانی نبودند و، به همین دلیل، در آرنیکه‌ها، نیایش نمادین و مراقبه‌های گوناگون به عنوان جانشینی برای قربانی واقعی تجویز می‌شد.

اوپنیشاد را به عنوان بخش پایانی ادبیات ودایی به شمار آورده و، به همین دلیل، آن را ودانته نیز خوانده‌اند و گفته‌اند که در اوپنیشادها خرد و حکمت ودایی به اوج خود می‌رسد. اوپنیشادها راه نجات و کسب برترین و بالاترین فضیلت را به طالب و سالک نشان می‌دهند. بنابراین، ادبیات ودایی شامل مجموعه کاملی است که از سمهیتا یا منتره

29) Karma Kānda 30) Jnāna Kānda

۳۱) سمهیتا در لغت از دو واژه sam به معنای «با هم» و hita به معنای «قرار گرفتن یا قرار دادن» تشکیل شده و به معنای مجموعه‌ای از سرودها یا منتره‌هاست که در مراسم قربانی خوانده می‌شوند.

آغاز می‌شود سپس در **براهمنه** و **آرنیکه** ادامه می‌یابد و در **اوپنیشاد** به اوج خود می‌رسد. به عنوان مثال، **تیتیریه**<sup>۳۲</sup> **سمهیتا** با **تیتیریه** **براهمنه** ادامه می‌یابد و، پس از آن، **تیتیریه** **آرنیکه** می‌آید و سرانجام با **تیتیریه** **اوپنیشاد** به اوج خود می‌رسد و با آن نیز خاتمه می‌پذیرد. به ندرت، بعد از **سمهیتا** یک **اوپنیشاد** می‌آید، که به عنوان مثال می‌توان **ایشه** **اوپنیشاد**<sup>۳۳</sup> را نام برد.

تاریخ تقریبی نگارش دوره‌ها و بخش‌های چهارگانه ادبیات ودایی را چنین حدس زده‌اند:

– دوره **سمهیتا** از ۲۰۰۰ تا ۱۱۰۰ ق م؛

– دوره **براهمنه** - **آرنیکه** از ۱۱۰۰ تا ۸۰۰ ق م؛

– دوره **اوپنیشادی** از ۸۰۰ تا ۵۰۰ ق م؛

– دوره **سوتره** - **ودانگه** از ۵۰۰ ق م به بعد. (Dandekar 1995, p. 214; Keith 1970, vol. 1, p. 19)

چنان‌که برخی گفته‌اند، فرزندگان هندو چهار بخش اصلی ادبیات ودایی - **وداها**، **براهمنه‌ها**، **آرنیکه‌ها** و **اوپنیشادها** - را با چهار مرحله زندگی روحانی - **برهمه‌چریه**<sup>۳۴</sup>، **گارَه‌ستهیه**<sup>۳۵</sup>، **وَنه‌پرَشتهه**<sup>۳۶</sup>، **سَنیاسه** (سمنیاسه)<sup>۳۷</sup> - تطبیق داده‌اند.

مرحله نخست (برهمه‌چریه) به مطالعه و تحصیل اختصاص دارد و طالب مجرد زندگانی قرین با پاکدامنی و ریاضت در پیش می‌گیرد و با فروتنی به پیر و معلم خود خدمت می‌کند. وی، در این مرحله، به آموختن **متره** و **براهمنه** و **وداها** می‌پردازد و، پس از تکمیل آموخته‌های خود، مجلس استاد را ترک می‌گوید؛ ضمناً موظف و متعهد می‌شود که از حقیقت منحرف نگردد و در مطالعه و خواندن و **وداها** پشتکار نشان دهد و مقاومت ورزد. مرحله دوم (گارَه‌ستهیه) به وظایف خانوادگی اختصاص دارد. مرد جوان همسری برمی‌گزیند و هر دو، با هم، همراه با خواندن سرودهای **متره** و طبق قوانین **براهمنه** به قربانی ودایی می‌پردازند.

مرحله سوم (ونه‌پرَشتهه) زمانی آغاز می‌شود که موها شروع به سفید شدن می‌کند و صورت چین و چروک می‌یابد. سالک، در این مرحله، **وانه‌پرَشتهه**<sup>۳۸</sup> یا **آرنیکه** یعنی «جنگل‌نشین» نامیده می‌شود و، به جای قربانی کردن، به مراقبه و تفکر و نیایش نمادین می‌پردازد.

32) Taittiriya      33) Íśa Upaniṣad      34) Brahmacharya      35) Gārhaṣṭhya  
36) Vanaprāśtha      37) Saṁnyāsa (Saṁnyāsa)      38) Vānaprāśtha

مرحله چهارم (سنیاسه) اوج سختی زندگانی مقرراتی فرزانه و مرتاض هندوست. او، در این مرحله، به طور کلی دنیا را ترک می‌گوید و به سنیاسین<sup>۳۹</sup> یا راهب سرگردان تبدیل می‌شود؛ همه تمایلات و تعلقات دنیائی را رها می‌کند، دائم به برهمن می‌اندیشد، و در پرستش وجود مطلق به ابزار و وسایل مادی و نمادهای ذهنی توسل نمی‌جوید. او، در این مرحله، یگانگی و عدم ثنویت برهمن و آتمن و وحدت روح کیهانی با روح فردی را تجربه می‌کند. سنیاسین سوگند می‌خورد که زندگانی خود را وقف حقیقت و خدمت به انسانیت کند، که، در اصل، همان مقصود اوپنیشادهاست؛ زیرا اوپنیشادها نیز با تجربه مستقیم برهمن مربوط‌اند و شخص را از قید و بند جهان نسبی و مادی رها می‌سازند. ادبیات ودایی مطابق با این چهار مرحله زندگی تنظیم یافته است. برهمه‌چاری<sup>۴۰</sup> سمهیتا را مطالعه می‌کند؛ صاحب‌خانه در مرحله دوم (گار هستیه) - قوانین برهمنه را پیروی می‌کند؛ جنگل‌نشین مطابق با آرنیکه می‌اندیشد؛ و سنیاسین از خرد متعالی<sup>۴۱</sup> اوپنیشادها راهنمایی می‌گیرد. به باور هندوان، همه بخش‌های چهارگانه ادبیات ودایی هم‌زمان آشکار شده و از همان آغاز هستی به همین شکل ظهور یافته‌اند و نتیجه تأملات عقلانی و فلسفی نیستند.

#### وداها یا سمهیتاها

وداها قدیم‌ترین بخش ادبیات ودایی و کهن‌ترین متون دینی باقی‌مانده از نژاد هند و اروپایی‌اند. به اعتقاد هندوان، وداها، در گذشته‌ای دور، از طرف خداوند بر مردانی مقدس نازل شدند - مردانی که، با اجرا و رعایت احکام دینی و مقررات روحانی همچون حبس نفس و تمرکز و خویشنداری، به تصفیه و تزکیه پرداختند و عنوان رشی و شاهدان حقیقت یافتند. در پورانه<sup>۴۲</sup>ها، درباره نحوه تدوین و تنظیم وداها، آمده است که شخصی روحانی به نام ویاسه<sup>۴۳</sup> از برهما فرمان یافت که مجموعه وداها را تنظیم کند. این روحانی و شاعر بزرگ، به دستگیری مریدانش، وداها را، که قرن‌ها پیش از آن در میان هندوان شناخته شده بودند و اندیشه‌های فلسفی و همه جشن‌ها و آیین‌های براهمنی بر آنها مبتنی بود، در چهار کتاب ریک<sup>۴۴</sup>، یجور<sup>۴۵</sup>، سامن<sup>۴۶</sup>، و آتھروه<sup>۴۷</sup> گرد آورد. ویاسه با

39) Sannyāsīn      40) Brahmachāri      41) Exalted Wisdom      42) Purāṇa  
 43) Vyāsa      44) Rik      45) Yajur      46) Sāman      47) Atharva

گرد آوردنِ ریک‌ها، ریگ ودا؛ از سامن‌ها، سامه ودا؛ و از یجو<sup>۴۸</sup>ها، یجورودا را مدون ساخت. ریگ ودا، که آن را کتابِ سرودها نیز می‌توان خواند، دربردارندهٔ آهنگ‌ها و الحان ثابت و اصلی است. سامه ودا ارزش مستقلی ندارد؛ زیرا تقریباً دربردارندهٔ قطعات و سرودهای ریگ وداست و در مراسم تقدیم سومه<sup>۴۹</sup> (هومه) خوانده می‌شود. یجورودا، علاوه بر اشعارِ مقتبس از ریگ ودا، دربردارندهٔ قوانین و دستورالعمل‌های منشور و اصیلی است که آنها را می‌توان نیایش‌ها و ادعیهٔ قربانی خواند. آتَهروَه ودا متن ودائی کاملاً متفاوتی است که با عنوانِ چَهندَس<sup>۵۰</sup>ها نیز شناخته شده است. این ودا با افسون‌ها، اوراد، وظایف و تکالیف سلطنتی و شاهانه مربوط است. برخی از پژوهشگران غربی این ودا را از مجموعهٔ وداها مستثنا کرده‌اند حال آنکه، به اعتقاد هندوان، این اثر نیز، به طور قطع، جزء مجموعهٔ وداهاست. شایان ذکر است که منظور از عنوانِ تراپی<sup>۵۱</sup> یا تریاد<sup>۵۲</sup> («مثلث، اثر سه بخشی»)، که گاه به وداها اطلاق می‌شود وداهای سه‌گانه (ریگ ودا، سامه ودا، یجورودا) است، چون این سه ودا در مراسم قربانی خوانده می‌شوند، در حالی که آتَهروَه ودا در مراسم قربانی کاربرد ندارد (HEESTERMAN 1995, p. 219). با این همه، آتَهروَه ودا نزد هندوان مقدس است و حتی یکی از چهار روحانی برگزارکنندهٔ مراسم قربانی ودایی موظف بود آتَهروَه ودا را فراگیرد. ویاسه ریگ ودا را به شاگردش پایله<sup>۵۳</sup>؛ یجورودا را به وایشمپاینه<sup>۵۴</sup>؛ سامه ودا را به جیمینی<sup>۵۵</sup>، آتَهروَه ودا را به سومنته<sup>۵۶</sup> تعلیم داد. از این چهار ودا تحریرها و روایت‌های بسیاری ارائه شد که آنها را شاکها<sup>۵۷</sup> نامیدند. به عنوان مثال، از شَنپَته<sup>۵۸</sup> (براهمنهٔ یجورودای سفید) دو روایت یا دو تحریرِ کائوه<sup>۵۹</sup> و مادهیندینه<sup>۶۰</sup> باقی مانده است. (Keith 1970, vol. 1, pp. 16-18)

این دو روایت، که از دو تن از شاگردانِ یاَجَنه وُلکیه<sup>۶۱</sup> نقل شده، از جهات متعدّد - محتوا و شمار و ترتیب و تدوین بخش‌ها و فصول - با هم تفاوت دارند. یکی از تحریرها دارای هفده بخش و دیگری دارای چهارده بخش است. شَنکراچاریه<sup>۶۲</sup> شرح و تفسیر

48) Yaju	49) Soma	50) Chhandas	51) trāyi
52) triād	53) Paīla	54) Vaiśampāyana	55) Jaimini
56) Sumanta	57) Śākhā	58) Śatapatha	59) Kāṇva
60) Mādhyandina			

(۶۱) Yājñavalkya یکی از شاگردان معروف وی (وای) شَم‌پاینه و معلم بزرگ برپهدآرنیکه است.

62) Śankarāchārya

خود را بر تحریر کائوه بنا نهاده است.

وداها یا سَمهیتاها شامل چهار کتاب معروف ریگ ودا سَمهیتا، سامه ودا سَمهیتا، یجورودا سَمهیتا، و آتَهروه ودا سَمهیتا است، که ذیلاً به معرفی یکایک آنها می‌پردازیم.

□ ریگ ودا - از این اثر چندین تحریر موجود است که مهم‌ترین آنها مربوط به مکتب شاکله<sup>۶۳</sup> است و ۱۰۱۷ یا ۱۰۲۷ - به گفته برخی ۱۰۱۸ یا ۱۰۲۸ - سرود را دربردارد. هر یک از این سرودها را سوکته<sup>۶۴</sup> نیز می‌نامند. به گفته گُش<sup>۶۵</sup>، دو تحریر دیگر از ریگ ودا وجود دارد: والکھیلیه<sup>۶۶</sup> حاوی یازده سرود؛ باشکله<sup>۶۷</sup> حاوی سی و شش سرود. ریگ ودا شامل ده جزء موسوم به مندله<sup>۶۸</sup> است. مندله‌های دوم تا هفتم قدیم‌ترین سرودهای ریگ ودا و یکنواخت و هماهنگ‌اند و هر یک از آنها به دانشمند یا خانواده‌ای منسوب است. مندله‌های اول و هشتم و دهم نیز در دوره‌های بعد سروده شده و دارای موضوعی واحدند و مندله نهم مقتبس از مندله سوم است.

چنان‌که گُش اشاره کرده، هر یک از مندله‌ها ساخته خانواده‌ای خاص از روحانیان است<sup>۶۹</sup>. مندله هشتم، از این رو که در بحر پرگاتَه سروده شده، پرگاتَه - مندله<sup>۷۰</sup> خوانده می‌شود. از این مندله در تشریفات و مراسم اودگاتری<sup>۷۱</sup> استفاده می‌شود. مندله نهم نیز «مندله آیین و مراسم» خوانده می‌شود؛ زیرا، در آن، همه سرودهای مربوط به مراسم سومه پَوَمانه<sup>۷۲</sup> جمع آمده است.

مندله نخست خود شامل دو بخش است: بخش نخست، شامل پنجاه سرود، شبیه مندله هشتم است و بقیه سرودها به شیوه و روش سرودهای مندله‌های هم‌خانواده - دوم تا هفتم - تنظیم شده‌اند. مندله دهم، به‌طور قطع، بعدها به این مجموعه افزوده شده و ویژگی‌های سرودهای آتَهرونی را دارد. هر یک از مندله‌های هم‌خانواده، نخست با سرودهایی در ستایش اگنی<sup>۷۳</sup> آغاز می‌شود؛ سپس، بلافاصله، ایندیره<sup>۷۴</sup> مورد ستایش قرار

63) Śākala 64) sūkta 65) Ghosh 66) Vālakhilya

67) Bāshkala 68) Mandala

۶۹) این شش خانواده عبارت‌اند از: گریتسه‌مده (Gr̥tsamada)؛ ویشوا میتره (Viśvāmītra)؛ وامه دوه (Vāmadeva)؛ آرتی (Arti)؛ بهردواجه (Bharadvāja)؛ و سیشتهه (Vasiṣṭha). (→ Ghosh 1988, pp. 231-232; Dandekar 1995, p. 215)

70) pragātha-mandala 71) Udgātri 72) Soma Pavamāna

73) Agni 74) Indra



می‌گیرد و، پس از آن، سرودهایی در مدح و ستایش خدایان می‌آید. (Ghosh 1988, pp. 229-232) با توجه به این مطالب، برخی بر آن‌اند که سرودهای ریگ ودا، هریک، در دوره‌ای خاص سروده شده‌اند. (DASGUPTA 1969, vol. 1, p. 14)

تقسیم‌بندی دیگری نیز از ریگ ودا انجام گرفته است. به گفته دُندِکر، ریگ ودا سمهیتا، به هشت اَشْتکه<sup>۷۵</sup> تقسیم می‌شود؛ هر اَشْتکه هشت اَدھیایه<sup>۷۶</sup>؛ هر اَدھیایه سی و سه ورگه<sup>۷۷</sup>؛ و هر ورگه پنج بند دارد. (DANDEKAR 1995, ibid)

ریگ ودا را، هر چند از عناصر حماسی و غنایی و روستایی و شبانی خالی نیست، نباید صرفاً مجموعه اشعار عامیانه یا آغازکننده سنت ادبی به شمار آورد (Ghosh 1988, p. 230). این کتاب دینی کهن، منظومه‌ای دینی است و بیشتر آن مشحون از اسطوره‌ها و خطاب به خدایان است که از آنان طول عمر و اولاد و نعمت و سعادت و پیروزی درخواست می‌شود. ریگ ودا خود اساساً سه دوره را پیموده است: دوره‌ای که با رته<sup>۷۸</sup> (اَشه، اَرته)، ورونه<sup>۷۹</sup>، اگنی و سومه (هومه) مشخص می‌شود؛ مرحله‌ای که با ایندره و دیگر خدایان حماسی پدید می‌آید؛ مرحله‌ای که خدایان محبوب آریائیان مانند ویشنو<sup>۸۰</sup> و خدایان غیر آریائی مانند رودره<sup>۸۱</sup> به ظهور می‌رسند. خدایان غیر آریائی به دوره پیش از آریائی و به مردمان بومی متعلق بوده‌اند.

ریگ ودا، افزون بر اسطوره‌ها، حاوی سرودهایی است که از لحاظ جامعه‌شناسی تاریخی و فلسفی دارای اهمیت‌اند (DANDEKAR 1995, p. 216; Ghosh 1988, p. 234). یکی از جالب‌ترین و شاید مهم‌ترین مباحث ریگ ودا توحید و یگانه‌پرستی است، که در سرودهای آخر ریگ ودا با آن مواجه می‌شویم. با نگاهی گذرا در این منظومه کهن، چنین به نظر می‌رسد که سراسر آن بیانگر چندخدایی و چندگانه‌پرستی است؛ اما، با تأملی در بخش‌های پایانی آن، رگه‌هایی از یگانه‌پرستی و توحید نمایان می‌گردد و خدایان گوناگون تنها جلوه‌های خدای یگانه به شمار می‌آیند. (RENOU 1961, p. 61; → HEESTERMAN 1995, p. 220; Ghosh 1988, pp. 229-233)

□ **سامه ودا** - برای این ودا، هر چند در مراسم تقدیم شراب سومه (هومه) از جایگاه

75) aṣṭaka

76) adhyāya

77) varga

78) Ṛta

79) Varuṇa

80) Viṣṇu

81) Rudra

ویژه‌ای برخوردار است، چون بیشتر سرودهای آن برگرفته شده از ریگ وداست، ارزش مستقلی قائل نشده‌اند و حتی آن را از لحاظ ادبی و تاریخی فاقد ارزش دانسته‌اند. واژه سامه، مقتبس از سامن، به معنای «ترانه و لحن» است و مجموعه‌ای از الحان را دربردارد. چنان‌که برخی اشاره کرده‌اند، بخشی از سامه ودا فقط برای نغمه‌های موسیقی مورد استفاده قرار می‌گیرد و هر لحن (سامن) نیز، چنان‌که برخی گفته‌اند، مختص یک بند است. آن بند را که به لحنی (سامنی) معین خوانده می‌شود یونی<sup>۸۲</sup> می‌خوانند که به معنای «سرچشمه» است.

دندکر معتقد است که سامه ودا نام بامسمایی نیست؛ زیرا این اثر مجموعه‌ای از سامن‌ها (الحان) نیست بلکه بیشتر مجموعه‌ای از بندها و بیت‌هاست که از ریگ ودا اقتباس و بعدها نیز سعی شده است تا پایه و اساس سامن‌ها (الحان) باشد.

به رغم نظر سنتی که، بنا برآن، برای سامه ودا سی شاکها قائل شده‌اند، تنها سه شاکها- کوتهومه<sup>۸۳</sup>، رانایینی<sup>۸۴</sup>، جیمینییه<sup>۸۵</sup> یا تلواکاره<sup>۸۶</sup> - شناخته شده است.

کوتهومه سمهیتا دارای دو بخش است: پوروارچیکه<sup>۸۷</sup> شامل ۵۸۵ منتره و اوتراژچیکه<sup>۸۸</sup> شامل ۱۲۲۵ منتره. شمار منتره‌های سامه ودا - با حذف منتره‌های تکراری - ۱۵۴۹ است که، از آن، تنها ۷۸ منتره جزء ریگ ودا نیست و بقیه تماماً از مندره‌های هشت و نه گرفته شده است. منتره‌های سامه یونی<sup>۸۹</sup> در مراسم سومه به کار برده می‌شوند و به الحان مناسبی درمی‌آیند و گانه<sup>۹۰</sup> خوانده می‌شوند.

این گانه‌ها در چهار مجموعه گرد آمده‌اند: گرامه گیه گانه<sup>۹۱</sup>، آرنیه گیه گانه<sup>۹۲</sup>، اووه گانه<sup>۹۳</sup>، و اوویه گانه<sup>۹۴</sup>. این مجموعه‌ها از سامه ودا کاملاً مجزا هستند. از یک سامه یونی منتره چند گانه (لحن) ساخته می‌شود. از این رو، شمار گانه‌ها بیشتر از سامه یونی منتره‌هاست. به عنوان مثال، شمار گانه‌های متعلق به مکتب کوتهومه ۲۷۲۲ است. (Dandekar 1995, ibid)

گش تقسیم‌بندی دیگری نیز از سامه ودا به دست داده است. به گفته وی، پوروارچیکه همراه با آرنیکه سمهیتا<sup>۹۵</sup> و اوتراژچیکه متن اصلی سامه ودا و گرامه گیه گانه، آرنیه گیه گانه، اووه گانه،

82) yoni	83) Kauthuma	84) Rānāyaniya	85) Jaiminiya
86) Talavakāra	87) Pūrvārčika	88) Uttarārčika	89) Sāmayoni
90) Gāna	91) Grāmageyagāna	92) Āranyageyagāna	93) Ūhagāna
94) Ūhyagāna	95) Āranyaka-Saṃhitā		

و اوهمیه‌گانه آهنگ یا موسیقی آن‌اند. یونی‌های پوروارچیکه به سه دسته تقسیم می‌شوند: سرودهای ۱ تا ۱۱۴، خطاب به آگنی؛ سرودهای ۱۱۵ تا ۴۶۶، خطاب به ایندره؛ سرودهای ۴۶۷ تا ۵۸۵، خطاب به سومه پومانه. (→ Ghosh 1988, p. 234)

مجموعه این سرودها را روحانی‌ای با عنوان اودگاتری<sup>۹۶</sup> (یا به گفته برخی اودگانری) و دستیارانش می‌خوانند. (Dandekar, Ibid; Keith 1970, vol. 1, p. 16; Ghosh 1988, pp. 234-235)

□ **یجورودا** - این ودا تماماً به موضوع قربانی و نظام و ترتیب آن اختصاص دارد. در حقیقت، آن را می‌توان نخستین کتابی به شمار آورد که به طور منظم و کامل به آیین‌ها و مراسم ودایی می‌پردازد. این ودا با وظایف یکی از روحانیان به نام آدهوریو<sup>۹۷</sup> ربط دارد که مسئولیت اجرای همه مراسم قربانی برعهده اوست.

از **یجورودا** دو تحریر عمده و اصلی در دست است: کرشنه یجورودا<sup>۹۸</sup> یا یجورودای سیاه؛ شوکله یجورودا<sup>۹۹</sup> یا یجورودای سفید. تفاوت این دو بیشتر در ترتیب آنهاست تا در مضمون و محتوا. در کرشنه یجورودا، منترها، یجو<sup>۱۰۰</sup>ها و شرح و توضیحات مرسوم و تشریفاتی آنها همه به هم آمیخته شده است، لذا **سمهیتای** کرشنه یجورودا قابل تمیز و تشخیص از **براهمنه ودا و آرنیکه ودا** نیست؛ اما شوکله یجورودا فقط منتره و یجوها را دربردارد و شرح و توضیحات آن در **شکتیهه براهمنه**<sup>۱۰۱</sup> گنجانده شده است. **شکتیهه براهمنه** به این ودا اختصاص دارد.

تمامی یا بخشی از **سمهیتاهای** مکاتب چهارگانه کرشنه یجورودا، موجود است. این **سمهیتاها** مشتمل‌اند بر **تیتیریه**، کتبه<sup>۱۰۲</sup> یا **کاتکه**<sup>۱۰۳</sup>؛ **میتراینی**<sup>۱۰۴</sup>، **کیشتهله** کتبه<sup>۱۰۵</sup>. از میان این چهار مکتب، مکتب **تیتیریه** ادبیات خود را تقریباً به طور کامل حفظ کرده و شاید کامل‌ترین مکاتب باشد؛ زیرا اتصال و پیوستگی خود را از دوره **سمهیتا** و سپس دوره‌های **براهمنه** و **آرنیکه** و **اوپنیشاد**، و سرانجام تا دوره **سوتره** حفظ کرده است. این **سمهیتا** خود به هفت **کانده**<sup>۱۰۶</sup> تقسیم شده و، همراه با **تیتیریه براهمنه** و **تیتیریه آرنیکه** تمامی مراسم و شعائر ودایی را پوشش می‌دهد. شایان ذکر است که، در این متون، قربانی‌ها

96) Udgātṛ                      97) Adhvaryu                      98) Kṛṣṇa Yajurveda  
 99) Śukla Yajurveda

(۱۰۰) یجو: قواعد و اوراد قربانی، به نثر.

101) Śatapatha Brāhmana                      102) Kaṭha                      103) Kāṭhaka  
 104) Maitrāyaṇi                      105) Kapiśthala katha                      106) kāṇḍa

بر مبنای نظامی عقلانی نیست.

شوکه بجزورودا مجموعه‌ای ادبی است که در دو تحریر مجزاً به ما رسیده است: ماده‌دینه، کائوه. تفاوت‌های این دو تحریر، به لحاظ محتوایی و ساختار و ترتیب، اندک است. ماده‌دینه، که با عنوان *واجه‌سنی سمهیتا*<sup>۱۰۷</sup> نیز شهرت دارد، حاوی چهل ادهیایه است. بیست و پنج ادهیایه نخست شامل متره‌ها و قواعد مربوط به قربانی‌های عمده و اصلی است. چهار ادهیایه بعدی - از شماره ۲۶ تا ۲۹ - شامل اضافات و الحاقاتی بر این ۲۵ ادهیایه است. ادهیایه‌های ۳۰ تا ۳۹ به قربانی‌هایی چون *پوروشه‌مده*<sup>۱۰۸</sup>، *سزوه‌مده*<sup>۱۰۹</sup>، *پیتری‌مده*<sup>۱۱۰</sup>، و *پرورگیه*<sup>۱۱۱</sup> اختصاص یافته است. ادهیایه آخر نیز *ایشه‌اوپنیشاد* را دربردارد. تحریر کائوه نیز تقریباً به همین صورت است. (Dandekar 1995, pp. 216-217;

Ghosh 1988, pp. 235-236; Heesterman 1995, p. 219, Keith 1970, vol. 1, p. 17)

□ *آتَهروَه ودای* - این ودای، که با عنوان «ودای عوام» نیز از آن یاد شده است، باریگ ودای هیچ‌گونه تجانس و همگونی ندارد و نام *آتَهروانگیرسه*<sup>۱۱۲</sup> که اغلب بدان اطلاق می‌شود دال بر ویژگی دوگانه محتویات آن است. ویژگی نخست به جنبه سودمند و فرخنده جادوی سفید *آتَهرون* اشاره دارد؛ ویژگی دوم جنبه منفی و مخوف جادوی سیاه *انگیرس*<sup>۱۱۳</sup> است. نام دیگر این ودای *برهمه ودای*<sup>۱۱۴</sup> است. این مطلب نمودار آن است که *آتَهروه ودای* مرکب از برهمن‌ها (قواعد محکم و مؤثر سحرآمیز) است و یا آنکه، در اجرای شعائر ودایی، به طبقه روحانی برهمن اختصاص داشته است.

*آتَهروَه ودای*، هرچند برخی از هواداران آن (*آتَهروه ودین*<sup>۱۱۵</sup>ها) اختصاص آن را به طبقه روحانی نشان برتری آن بر سه ودای دیگر دانسته‌اند، به لحاظ محتوا و ویژگی‌های خاص مضامین آن، تا مدت‌ها چندان به رسمیت شناخته نمی‌شد و اعتبار سه ودای دیگر را نیز نداشت. این ودای نام‌های دیگری نیز دارد که هر یک نمودار یکی از ویژگی‌های آن است: از آنجا که با وظایف روحانی، یعنی *پوروهِیته*<sup>۱۱۶</sup>، سروکار دارد، *پوروهِیته ودای*<sup>۱۱۷</sup> خوانده می‌شود؛ و از آنجا که بسیاری از سرودهای متعلق به طبقه جنگجو و حاکم یعنی

107) Vājasaneyi Samhitā

108) Puruṣamedha

109) Sarvamedha

110) Pitr̥medha

111) Pravargya

112) Atharvāngirasa

113) Aṅgiras

114) Brahma Vedā

115) Atharva vedin

116) Purohita

117) Purohita Vedā

کَشْتَرِه<sup>۱۱۸</sup>ها را در بردارد، به کَشْتَرِه<sup>۱۱۹</sup>ودا موسوم است؛ افزون بر آن، از جهت آنکه برای کسانی که قصد اجرای اعمال و مراسم پنجه گلپه<sup>۱۲۰</sup>ها را - که وابسته و تابع این ودا هستند - دارد و راهنما به شمار می‌آید، آن را وِدای پنجه گلپین<sup>۱۲۱</sup> نیز نامیده‌اند. از اَتَهْرَوَه ودا دو تحریر در دست است: شوَنکَه یا شوَنکَه سمهیتا<sup>۱۲۲</sup>؛ و بیپِلادَه<sup>۱۲۳</sup> که فقط بخشی از آن موجود است. اولی ۷۳۰ سرود را در بردارد که در بیست دفتر (کائده) فراهم آمده است: پنج الی شش سرود موزون‌اند و باقی منشور به زبانی یکنواخت. اَتَهْرَوَه ودا به لحاظ وزن و آهنگ و دستور نسبت به ریگ ودا در سطح پایین‌تری است. محتویات اَتَهْرَوَه ودا را اجمالاً می‌توان با عناوین زیر مشخص ساخت: افسون‌ها و طلسم‌هایی برای ختنی کردن بیماری‌ها و برطرف کردن تسلط ارواح شر؛ دعاها و نیایش‌هایی برای سلامت، طول عمر، خوشبختی و سعادت؛ وردها و افسون‌هایی ناظر به طرق گوناگون ارتباط با زنان؛ سرودهایی مربوط به وظایف و امور شاه؛ قواعد و ضوابطی برای جادوگری، نفرین، تعویذها و ضد تعویذها. به هر حال اَتَهْرَوَه ودا شامل اندک سرودهایی است در زمینه تأملات فلسفی و دینی (Dandekar 1995, p. 216; Ghosh 1988, p. 237) و آن، هر چند چهارمین وداست، مضامین و محتویاتش قدیم‌تر از دیگر وداهاست. (Ghosh 1988, pp. 236-238; Keirh 1970, vol. 1, p. 18; Bloomfield 1897, p. XVIII ff; Apté 1988, p. 442)

### براهمنه‌ها

براهمنه‌ها قدیم‌ترین متون منشور سنسکریت‌اند. تاریخ نگارش آنها را در فاصله اوایل تا اواسط هزاره اول قبل از میلاد حدس زده‌اند. ترتیب مندرجات، هر چند در آنها برخی مطالب تاریخی آمده، نامطمئن است. درباره معنای واژه براهمنه و وجه تسمیه آن آراء متعددی ارائه شده است. وِبر<sup>۱۲۴</sup>، در تاریخ ادبیات هند<sup>۱۲۵</sup>، براهمنه را به معنای آنچه با نیایش برهمن ربط دارد دانسته؛ اما، به گفته مکس مولر، آن، در اصل، گفته‌های برهمنان است، که مراد از برهمنان هم می‌تواند روحانیان به معنای عام باشد و هم طبقه روحانی برهمن به معنای خاص. به قول اِگلینگ<sup>۱۲۶</sup>، براهمنه‌ها برای تعلیم و راهنمایی روحانیان یا برهمنان تنظیم شده و، به همین دلیل، به این نام شهرت یافته‌اند

118) Kṣatriya                      119) Kṣatra Vedā                      120) Panča Kalpa                      121) Pañca Kalpin Vedā  
 122) Śaunaka or Śaunakiya-Saṃhitā                      123) Paippalāda                      124) Weber  
 125) *History of Indian Literature*                      126) Eggeling

(Dasgupta 1969, vol. 1, p. 13). هیسترمَن سعی کرده است تعریفی نسبتاً جامع از آن به دست دهد. به گفته وی، *براهمنه* به معنای مطلبی درباره برهمن و مقام و منزلت کیهانی<sup>۱۲۷</sup> و یا به معنای مراسم قربانی ودایی است. در اینجا، مراد از مراسم قربانی ودایی هم می‌تواند عمل فردی باشد و هم آداب و قواعد قربانی و هم ترکیبی از این دو. (Heesterman 1995, p. 226) داسگوپتا بر آن است که، از میان این تعاریف، صحیح‌ترین تعریف از آن و بر است (Dasgupta, Ibid). در هر حال، چنان‌که مکدانل اشاره می‌کند، *براهمنه*ها منعکس‌کننده فضای فکری و معنوی یک دوره‌اند. در این دوره، همه فعالیت‌های عقلانی و معنوی حول موضوع قربانی می‌چرخد؛ از آیین‌ها و جشن‌های قربانی سخن به میان می‌آید؛ از ارزش و اعتبار آن گفت و گو و در سرمنشأ و معنا و مفهوم آن تفکر و تأمل می‌شود. این آثار سرشار و مملو از تأکیدهای جزم‌گرایانه، نمادگرایی تخیلی<sup>۱۲۸</sup> و تأملات بی‌حد و مرز درباره جزئیات قربانی است. به گفته داسگوپتا، به احتمال، تشریفات قربانی<sup>۱۲۹</sup> در آغاز - یعنی زمانی که نخستین سرودها شناخته شد - چندان پرتکلف نبود اما بعدها، یعنی زمانی که این مجموعه سرودها نسل اندر نسل به ارث رسید، تشریفات قربانی پیچیده‌تر و وظایف مراسم قربانی در میان روحانیان تقسیم شد. داسگوپتا همچنین احتمال داده است که این آثار متعلق به دوره‌ای است که نظام طبقاتی کاست<sup>۱۳۰</sup> رواج داشته و یگانه مشغله ذهنی و فکری فرزندان مسئله قربانی و مراسم و آیین‌های آن بوده است. با این همه، این مراسم عریض و طویل چندان موافق ذوق و سلیقه خردمندان و متفکران واقع‌نشد و قربانی، به همین دلیل، بعدها شکلی نمادین به خود گرفت و ظاهراً دوره *براهمنه* نیز تا حدود ۵۰۰ ق م بیشتر دوام نیافت. (Dasgupta 1969, vol. 1, p. 13-14)

*براهمنه*ها، همچنان‌که اشاره شد از لحاظ تاریخی، بعد از وداهای چهارگانه‌اند و با بخش‌های خاصی از هر ودا مرتبط‌اند. به عنوان مثال، *براهمنه*هایی که *باریگ ودا* مرتبط‌اند وظایف و تکالیف هوتری را تعیین می‌کنند و عرضه‌کننده مراسم خاصّ عبادی‌اند (Heesterman 1995, pp. 226-227). قدیم‌ترین و بنیادی‌ترین بخش *براهمنه*ها قسمت‌هایی است که با *یجورودا* پیوسته است. چنان‌که پیش از این گذشت، *براهمنه*ها و *متره*ها در *یجورودای سیاه*، به هم آمیخته شده و، در *یجورودای سفید*، از هم متمایز و جدا

127) cosmic importance

128) fanciful symbolism

129) the sacrificial ceremonials

130) The Caste System

هستند. با این همه، **براهمنه‌ها** به صورت نوع ادبی<sup>۱۳۱</sup> خاص درآمدند و شیوه و سبک زبانی-بیانی یکدستی یافتند و پیش‌زمینه ظهور **اوپنیشادها** را فراهم آوردند. (Ibid, p. 227)

مطالب مهم **براهمنه‌ها** را می‌توان ذیل دو عنوان جای داد: (۱) **ویدی**<sup>۱۳۲</sup> یا دستور و احکام دینی؛ (۲) **ارته‌واده**<sup>۱۳۳</sup> یا توضیحات و معانی این احکام. کلیه امور مربوط به قربانی، یعنی دعاها و اوراد سرودها و وزن کلمات، ذیل عنوان **ارته‌واده** آمده و، با توسل به یک داستان اساطیری (ایتی‌هاسه<sup>۱۳۴</sup>) یا یک داستان عادی (آکھیانه<sup>۱۳۵</sup>) یا افسانه‌ای مبنی بر حوادثی که در ازل یا هنگام آفرینش به وقوع پیوسته، درباره آنها بحث شده است. (شایگان ۱۳۶۲، ج ۱، ص ۴۶؛ Ghosh 1988, pp. 238-239; Apté 1988, p. 445 ff; Keith 1970, vol. 1, p. 19; Heesterman 1995, p. 228;

### آرنیکه‌ها

به گفته داسگوپتا، **آرنیکه‌ها** نتیجه پروردگی **براهمنه‌ها** هستند (Dasgupta 1969, vol. 1, p. 14). این آثار، که «مقالات جنگل» نیز خوانده شده‌اند، بخشی از **براهمنه‌ها** یا ضمیمه آنها به شمار می‌روند. (Heesterman, Ibid)

ویژگی مشخص و بارز **آرنیکه‌ها** آن است که مطالب آنها - هم متره‌ها و هم **براهمنه‌ها** - سرّی و محرمانه تلقی می‌شده است؛ از این رو می‌بایست، ضمن رعایت قوانین اخلاقی<sup>۱۳۶</sup>، به دور از اجتماعات مستقر<sup>۱۳۷</sup>، در جنگل و بیابان<sup>۱۳۸</sup> مطالعه شوند (Heesterman, Ibid). به احتمال، این آثار برای مشایخ و پیرانی که در جنگل‌ها گوشه‌نشینی اختیار می‌کرده‌اند نگاشته شده و، از همین رو، به مقالات یا رسالات جنگل مشهور شده‌اند. از آنجا که برگزاری مراسم عریض و طویل قربانی در جنگل‌ها برای این افراد مشکل و اجرانشدنی بود، به مرور، تأمل و مراقبه جای قربانی را برای آنان گرفت. افزون بر آن، چنین پنداشته شده است که این مراقبه‌های مبتنی بر نمادهای معین و مشخص نسبت به قربانی‌ها برترند و مزیت بیشتری دارند؛ و این نشان می‌دهد که اندیشه‌های آداب‌پرستانه به مرور جایگاه خود را نزد اندیشه‌مندان از دست دادند و تأملات فلسفی درباره حقیقت جانشین آن شدند (Dasgupta, Ibid). همچنان‌که برخی اشاره کرده‌اند، این جنگل‌نشینان به حقایق درونی توجه کردند و به مراقبه احوال باطنی پرداختند. اندیشه و

131) genre	132) viddhi	133) arthavāda	134) itihāsa
135) ākhyāna	136) vrata	137) grāma	138) aranya

مناجات و توجه به عالم باطن نقش مهمی در آیین نیایش آنها داشته است. قربانی باطنی گشت و رنگ تمثیلی و رمزی به خود گرفت و جسم انسان به محراب و قربانگاه تبدیل شد. در عوض قربانی اسب، یعنی آشومیده<sup>۱۳۹</sup>، دستورالعمل‌هایی برای مراقبه تعیین گردید؛ از جمله، سپیده دم یا اوشس<sup>۱۴۰</sup> نماد سر اسب، خورشید نماد چشم اسب، و هوا نماد زندگی و حیات آن شد.

این تبدیل را نمودار پیشرفت قابل ملاحظه و برتری چشمگیر تأمل و تفکر بر اجرای مراسم و آیین‌های قربانی باید شمرد. آرنیکه‌ها، در واقع، عقاید و تأملات فلسفی و معرفت نفس مندرج در وداها را، که هدف اصلی زندگانی شمرده می‌شد، فعلیت بخشیدند. به گفته داسگوپتا، عصر آرنیکه‌ها در اصل دوره‌ای بود که در آن اندیشه آزاد به مرور غل و زنجیرهای شعائرپرستی را به کناری زد و راه را برای اوپنیشادها هموار ساخت و تفکرات فلسفی وداها را زنده گرداند و به طریقی پروراند که زمینه‌ساز و سرمنشأ همه تفکرات فلسفی هند یعنی اوپنیشادها شد (Ibid). به همین دلیل است که آرنیکه‌ها را حلقه رابط بین براهمنه‌ها و اوپنیشادها دانسته‌اند (Ibid). آرنیکه‌ها، هر چند از لحاظ محتوا و مضمون با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند، اساساً با مهاورته<sup>۱۴۱</sup> - جشن سال نو که با تصاویری از مسابقات پهلوانی و مراسم می‌گساری و نیز با مراسم متعلق به آتش به ویژه با پرورگیه<sup>۱۴۲</sup> یعنی تقدیم شیر همراه است - ارتباط دارند. (HEESTERMAN, Ibid; Apte 1988, pp. 451-452)

### اوپنیشادها (اوپنیشدها)

اوپنیشادها معمولاً ضمایم و تعلیقات آرنیکه‌ها تلقی می‌شوند. شایان ذکر است که اوپنیشادها را جزء نوشته‌های الحاقی آرنیکه‌ها و آرنیکه‌ها را ضمایم و الحاقات براهمنه‌ها به شمار می‌آورند. به گفته داسگوپتا، با آنکه این آثار با یکدیگر تفاوت دارند، تمایز و تفاوت آنها چندان نیست که عنوان رساله‌هایی مستقل پیدا کنند؛ چنان‌که در موارد متعددی که انتظار داریم از موضوعی در براهمنه‌ها بحث شود، با کمال تعجب می‌بینیم که آن در آرنیکه‌ها طرح شده است. نیز مطالب آرنیکه‌ها، در مواردی، با بخش عمده‌ای از تعالیم و آموزه‌های اوپنیشادها در هم آمیخته است. این امر نمودار آن است که این سه

139) aśvamedha

140) Uṣas

141) Mahāvratā

142) Pravargya



مجموعه ادبی در یک فرایند و جریان واحد پرورده شده‌اند و چه بسا، صرف نظر از تفاوت مباحث آنها، بخش‌هایی از یک متن به شمار روند. به گفته دوئین، اساس این تفاوت آن است که *براهمنه‌ها* برای خانواده (اهل خانه) نگاشته شده‌اند؛ *آرنیکه‌ها* برای پیران جنگل‌نشین؛ و *اوپنیشادها* نیز برای کسانی که در جست و جوی نجات و رهائی غایی از طریق تفکر و تأمل‌اند. (DEUSSEN 1966, pp.2-4; → KEITH 1970, vol. 1, pp. 19-20)

با این همه، برخی این طبقه‌بندی ادبیات کهن هند را چندان نمی‌پسندند. از جمله، فلاسفه کهن هند *اوپنیشادها* را به طور کلی متفاوت و متمایز از دیگر آثار ادبیات ودایی می‌دانند؛ زیرا در *اوپنیشادها* طریق علم<sup>۱۴۳</sup> (جنانه مارگه<sup>۱۴۴</sup>) در مقابل طریق عمل<sup>۱۴۵</sup> (کرمه مارگه<sup>۱۴۶</sup>) مطرح می‌شود. تعالیم ودایی<sup>۱۴۷</sup> به کرمه مارگه یا، به تعبیری، به وظایف ودایی<sup>۱۴۸</sup> از جمله قربانی اختصاص دارد. در نظر هندوان سنت‌گرا، آنچه در وداها آمده دستورهایی است برای اجرای تکالیف و اعمال واجب (ویدهی) همچنین نهی‌هایی (نی‌شدهه<sup>۱۴۹</sup>) برای پرهیز از محرّمات. حتی داستان‌ها و وقایع آنها نیز که ستایش دستورها و عمل به قوانین و سرزنش محرّمات را در بردارند به عنوان واقعیات تفسیر می‌شوند. هیچ شخصی صلاحیت و استحقاق آن را ندارد که در علت و چرایی نزول فرمان ودائی خاصی بحث کند؛ زیرا نمی‌توان آن را دانست. همین امر سبب می‌شود که فلسفه اجرای قوانین و دستورها و واجبات و محرّمات ودایی که به سعادت و خوشبختی می‌انجامد مکتوم بماند. (DASGUPTA 1969, vol. 1, p. 29)

در *اوپنیشادها* هیچ عملی تکلیف نمی‌شود بلکه فقط از حقیقت غایی که منجر به نجات و آزادی انسان می‌گردد پرده برداشته می‌شود. چنان‌که داسگوپتا اشاره کرده، همواره بین طرفداران *اوپنیشادها* و هواداران وداها درگیری شدیدی بوده است. گروه اخیر همواره کوشیده‌اند، با مقایسه همه بخش‌های ادبیات ودایی، اصول و قواعدی تنظیم کنند که بر اساس آنها *اوپنیشادها* مستثنا تلقی نگردند و حتی آنها را از جمله آثاری به شمار آورده‌اند که بر عمل و ادای تکالیف تأکید می‌کنند. اما گروه نخست یعنی هواداران *اوپنیشادها* این آثار را از دیگر ادبیات ودایی مجزا می‌کنند و معتقدند که در

143) The path of knowledge

144) Jñāna-mārga

145) The path of works

146) Karma-mārga

147) The Vedic teaching

148) Vedic duties

149) niṣedha

اوپنیشادها کمترین اشاره‌ای به تکالیف ودایی نرفته و تنها حقیقت غایی بیان شده است.  
(Ibid, pp. 29-30)

به گفتهٔ شنکره<sup>۱۵۰</sup>، اوپنیشاد مخصوص بزرگ‌مردانی است که به شایستگی‌های دنیایی و اخروی رسیده و از تکالیف ودایی نجات یافته‌اند. از این رو، اوپنیشادها بیانگر نجات غایی<sup>۱۵۱</sup> و علم حقیقی<sup>۱۵۲</sup> اند. کسانی که ملزم به رعایت دستورالعمل‌های ودایی‌اند، نسبت به آنانی که مشتاق شنیدن اوپنیشادها و تأمل و تفکر فلسفی‌اند، در مرتبهٔ نازل‌تری جای دارند. (Ibid)

اوپنیشادها همچنین با عنوان ودانته<sup>۱۵۳</sup> یا پایان ودا<sup>۱۵۴</sup> نیز شهرت یافته‌اند؛ زیرا این رساله‌ها بخش‌های پایانی وداها به شمار می‌روند (Ibid, p. 30). البته دربارهٔ وجه تسمیهٔ اوپنیشادها به ودانته آراء دیگری نیز ارائه شده که جالب به نظر می‌رسند. از جمله ماهونی گفته است شاید منظور از ودانته دروس اوپنیشادی باشد؛ زیرا، در این درس‌ها، معنی پنهان یا پیام واقعی اعمال و اندیشه‌های دینی برای عصر حاضر آشکار می‌گردد (MAHONY 1995, p. 147). گیدن، ضمن آنکه اوپنیشادها را مقصود و منظور ودا خوانده، گفته است که این رساله‌ها جوهر و خلاصهٔ خود (ذات) حقیقی هستند و، در سراسر متون براهمنی، این عنوان برای تعالیم یا معرفتی متعالی و آرمانی به کار برده می‌شود که گاه در شمار نوشته‌های مقدس یا، به تعبیری، شروتی، به معنای وحی الهی، قرار می‌گیرد. (Geden 1958, p. 541)

مهندله برآن است که اوپنیشادها صرفاً به خاطر آنکه در پایان عصر ودایی پدید آمده‌اند و یا آنکه پس از آموزش و تعلیم ودایی آموخته و تعلیم داده می‌شوند ودانته خوانده نشده‌اند بلکه دلیل این تسمیه آن است که فیلسوفان متأخر در این رساله‌ها مقصود غائی ودایی را یافته‌اند. (MEHANDALE 1988, p. 471)

به گفتهٔ دوینسن، هریک از چهار ودا - ریگ ودا، یجورودا، سامه ودا، اتهره ودا - حاوی مجموعه‌ای از سمهیتا (سرودها)، براهمنه، و سوتره است و هر براهمنه نیز خود به سه بخش تقسیم می‌شود: ویدی (احکام و دستورها)؛ ارتهه‌واده (توضیح احکام)؛ و ودانته یا اوپنیشاد (Deussen 1966, pp. 1-2) که نمودار اوج فعالیت‌های عقلانی یک عصر بزرگ است.

150) ŚANKARA

151) The Ultimate Emancipation

152) The True Knowledge

153) Vedānta

154) Veda-anta

به گفته داسگوپتا، اوپنیشادها، افزون بر آنکه بخش پایانی وداها به شمار می‌روند، نام‌های ودائی خود را نیز حفظ کرده‌اند. به عنوان مثال، اوپنیشادهایی که با براهمنه‌های مکاتب آیتیره<sup>۱۵۵</sup> و کوشیتکی<sup>۱۵۶</sup> مربوط‌اند به ترتیب اوپنیشادهای ایتیره و کوشیتکی خوانده شده‌اند. (Dasgupta 1969, vol. 1, p. 31)

بسیاری برآن‌اند که اوپنیشادها به قلم طبقه کشتیره<sup>۱۵۷</sup>ها نوشته شده‌اند. داسگوپتا در این باره می‌گوید که از شرح برخی حکایات و رویدادهای مندرج در اوپنیشادها می‌توان چنین نتیجه گرفت که در طبقه کشتیره اطلاعات فلسفی وجود داشته و همین اطلاعات در شکل‌گیری تعالیم و آموزه‌های اوپنیشادها تأثیر بسزایی داشته است. اوپنیشادها، هرچند ملحقات براهمنه‌ها به شمار می‌روند، صرفاً تحت تأثیر اعتقادات و اصول جزمی برهمنی نبوده‌اند بلکه افکار و اندیشه‌های غیر برهمنی نیز در آموزه‌های اوپنیشادها و تدوین و تنظیم آنها مؤثر بوده است. گذار تفکر و اندیشه هندی از دوره برهمنی به دوره اوپنیشادی احتمالاً یکی از مهم‌ترین و قابل توجه‌ترین وقایع و رویدادها در تاریخ تفکر فلسفی هند است. (Dasgupta, Ibid)

ریشه‌شناسی و معناشناسی واژه اوپنیشاد - واژه اوپنیشاد از سه جزء تشکیل شده است. این واژه از ریشه سد (sad) به معنای «نشستن» اشتقاق یافته و دو پیشوند اوپه (upa) به معنای «نزدیک» و نی (ni) به معنای «پایین» یا «کل» و «کلاً» به آن افزوده شده است. مکس مولر، با توجه به این معانی، برآن است که واژه اوپنیشاد به معنای «پایین و نزدیک استاد نشستن و مطیعانه به او گوش سپردن» است. (Max Müller 1965, vol. 2, p. ixix)

البته برخی برای sad معانی دیگری از جمله «به دست آوردن»، «نایل آمدن»، و نیز «پیروز شدن» قائل شده‌اند (Mahony 1995, p. 148). بنابراین نظر، واژه اوپنیشاد به معنای علمی<sup>۱۵۸</sup> است که از معلمی شایسته و باصلاحیت به دست آید. این دانش موجب رها شدن و آزادی از تعلقات دنیوی است و سالک را قادر می‌سازد که به خود (Self) دست یابد و جهل و نادانی را پاک بزدايد و ظهور وجود مطلق<sup>۱۵۹</sup> و نامحدود در صورت مخلوقات محدود<sup>۱۶۰</sup> را همان مخلوقات محدود نپندارد. (Ibid)

155) Aitareya

156) Kauṣītaki

157) Kṣatriya

158) vidyā

159) The Infinite Self

160) The finite embodied creature

مکس مولر همچنین بر آن است که واژه اوپیشاد- صرفاً از لحاظ معنای لغوی- بر دیگر بخش‌های ودا نیز قابل اطلاق است. به گفته وی، برخی از فیلسوفان هندو اشتقاق اوپیشاد را از ریشه sad به معنای «نشستن» قبول ندارند بلکه معتقدند که این واژه از ریشه sad به معنای «نابود و خراب کردن» برگرفته شده است؛ زیرا هدف این رساله‌ها از بین بردن دلبستگی و نادانی و جهل در پرتو وحی و رازگشایی الهی است. همچنین آن را مشتق از ریشه sad به معنای «نزدیک شدن و قرب» دانسته‌اند؛ زیرا دانش و معرفت به برهمن از طریق اوپیشادها برای ما حاصل می‌شود و یا از طریق این آثار است که به قرب برهمن و وصال آن نایل می‌آییم. (Max Miller, Ibid)

شکره نیز اوپیشاد را از ریشه sad به معنای «خراب کردن» دانسته و، در شرح تیتیریه اوپیشاد، گفته است که بالاترین و برترین سعادت و خوشبختی در اوپیشاد گنجانده شده است. (Dasgupta 1969, vol. 1, p. 38; Max Miller 1965, vol. p. xxx)

دوئین اوپیشاد را به معنای «سرّ و راز» یا «تعلیم سرّ و راز» دانسته و بر آن است که برخی از مطالب و عبارات اوپیشادها این نظر را تأیید می‌کند (Deussen 1966, pp. 10-11). داسگوپتا نیز نظر دوئین را درست‌ترین نظر شمرده است (Dasgupta, Ibid). کیت نیز می‌گوید: آنچه درباره اوپیشاد می‌توان گفت این است که این اصطلاح، هرگاه درباره متن به کار رود معمولاً به معنای تأمل و تفکر فلسفی درباره ماهیت جهان و آتمن و برهمن است. اصطلاح اوپیشاد در خود اوپیشادها به همین معنا و نیز به معنای «کلمه رمزی، عبارت سرّی، و یا معنا و مفهوم سرّی» به کار رفته است. به عنوان مثال، هنگامی که عبارت نیتی نیتی<sup>۱۶۱</sup>، به معنای «نه چنین نه چنین»، برای بیان حالت و احساس عالی‌ترین و والاترین وحدت به کار می‌رود، خود یک اوپیشاد است. همچنین است واژه جلان<sup>۱۶۲</sup>، به معنای «چیزی که موجودات در آن زندگی می‌کنند، می‌میرند و زنده می‌شوند»؛ و عبارت ستیه سیه ستیم<sup>۱۶۳</sup> به معنای «حقیقت حقیقی (حقیقه الحقایق)»<sup>۱۶۴</sup>؛ و تدوتم<sup>۱۶۵</sup> به معنای «پایان نهایی»، که هریک از آنها خود یک اوپیشاد به شمار می‌رود. کیت می‌افزاید که واژه اوپیشاد برای اشاره به مباحث معرفتی، از جمله به عنوان معنای کلمه «أم» (om) نیز به کار می‌رود. (Keirh 1970, pp. 490-491)

161) neti neti

162) Jalān

163) Satya sya Satyam

164) The truth of true

165) Tadvanam

تاریخ نگارش اوپنیشادها، شمار و اسامی و طبقات آنها- شایان ذکر است که مجموعه اوپنیشادهای موجود، هم‌زمان و در زمان معینی پدید نیامده‌اند بلکه طی قرن‌ها به شکل کنونی درآمده‌اند. از این رو، اعتبار و ارزش آنها یکسان نیست.

امروزه بیش از دویست اوپنیشاد در دست است که از آنها حدود ۱۰ تا ۱۲ فقره در شمار مهم‌ترین و قدیم‌ترین اوپنیشادها هستند. اوپنیشادهای ده‌گانه به نام‌های زیرند: بریهد آرنیکه<sup>۱۶۶</sup>، چاندگیه<sup>۱۶۷</sup>، آیتریه، تیتیری، ایشا<sup>۱۶۸</sup> (به گفته رادهاکریشان، ایشه)، کنه<sup>۱۶۹</sup>، کتهه، پرتنه<sup>۱۷۰</sup>، موندکه، ماندوکیه<sup>۱۷۱</sup>. رادهاکریشان، افزون بر اوپنیشادهای یاد شده، شوَتاشوَتَره<sup>۱۷۲</sup> را نیز نام می‌برد و می‌نویسد که شنکره شرح و تفسیر خود را بر این یازده اوپنیشاد نگاشته است. شنکره، در شرح بر برهمه‌سوتره<sup>۱۷۳</sup>، به چهار اوپنیشاد کوشیتکی؛ جاباله<sup>۱۷۴</sup>، مهاناراینه<sup>۱۷۵</sup>، و پینگله<sup>۱۷۶</sup> نیز اشاره می‌کند. افزون بر آن، میتراینه<sup>۱۷۷</sup> یا میتری اوپنیشاد<sup>۱۷۸</sup> را نیز جزء اوپنیشادهای اصلی دانسته‌اند. رامانوجا<sup>۱۷۹</sup>، علاوه بر این اوپنیشادها، از سوپاله<sup>۱۸۰</sup> و کولیکه<sup>۱۸۱</sup> نیز بهره گرفته و به اوپنیشادهای گریه<sup>۱۸۲</sup>، جاباله و مها<sup>۱۸۳</sup> اشاره کرده است. کریشان همچنین می‌گوید که دیگر اوپنیشادها بیشتر دینی هستند تا فلسفی و بیشتر به پورانه و نِتَره<sup>۱۸۴</sup> تعلق دارند تا به ودای.

(Radhakrishnan and Moore 1972, p. 21; Dasgupta 1969, vol. 1, p. 31)

برخی از محققان معتقدند که اوپنیشادهای منشور کهن، یعنی آیتریه، کوشیتکی، چاندگیه، کنه، تیتیری و بریهد آرنیکه همراه با ایشه و کتهه به قرن‌های هشتم و هفتم قبل از میلاد تعلق دارند. این اوپنیشادها، که پیش از دوره بودایی نگارش یافته‌اند، منعکس‌کننده ودانته اصیل و قدیم‌ترین اثر و مجموعه فلسفی دنیا هستند (Radhakrishnan and Moore 1972, p. 22).

بسیاری از اوپنیشادهای متأخر در دوره تسلط مسلمانان بر هند نوشته شده‌اند.

(Dasgupta 1969, vol.1, p. 39)

از آغاز قرن ۷ ق م، فرزندگان شروع به تدوین تفاسیر و شروح فلسفی و نظری بر

166) Bṛhadāraṇyaka	167) Chāndogya	168) Īśā	169) Kena
170) Praśna	171) Māndūkya	172) Śvetāśvatara	173) Brahma sūtra
174) Jābāla	175) Mahānārāyaṇa	176) Paingala	177) Maitrāyaniya
178) Maitri Upaniṣad		179) Rāmānujā	180) Subāla
181) Cūlika	182) Garbha	183) Mahā	184) Tantra

براهمنه‌ها و آرنیکه‌ها کردند تا درباره جایگاه و منزلت جهان و انسان در هستی به معرفتی عمیق‌تر دست یابند (Mahony 1995, p. 148). با این‌همه، چنان‌که گذشت، شمار اوپنیشادهایی که جنبه فلسفی و نظری دارند چندان زیاد نیست. در سنت هندوان، شمار اوپنیشادها ۱۰۸ است. ظاهراً این اوپنیشادها تا قرن‌ها سینه به سینه منتقل می‌شدند و در عصر اسلامی به صورت مکتوب درآمدند. نخستین کسی که به اوپنیشادها ارج بسیار نهاد داراشکوه (وفات: ۱۰۶۹ ق) بود. وی، با همکاری برخی از دانشمندان، پنجاه اوپنیشاد را به فارسی ترجمه کرد و آن را سر‌اکبر<sup>۱۸۵</sup> نامید<sup>۱۸۶</sup>. این ترجمه را آنکتیل دوپرون<sup>۱۸۷</sup>، در سال ۱۸۰۱-۲ به لاتینی برگرداند. مکس مولر یازده اوپنیشادی را که شنکره شرح کرده بود، همراه با میتراینه به انگلیسی برگرداند. دوئین، هرچند از چهارده اوپنیشاد به عنوان اوپنیشادهای اصلی نام برده، شصت اوپنیشاد را ترجمه کرده است. هیوم<sup>۱۸۸</sup> دوازده اوپنیشاد مکس مولر را به همراه ماندوکیه به انگلیسی برگرداند و کیت نیز، در کتاب دین و فلسفه ودا و اوپنیشادها، مهاناراینه را گنجانده است. افزون بر این، ترجمه‌های دیگری نیز از اوپنیشادها انجام گرفته است.

اوپنیشادها را به جهت متن، محتوا و موضوع به چندین طبقه تقسیم کرده‌اند. نخستین و جالب‌ترین تقسیم‌بندی از آن دوئین است که اوپنیشادها را به چهار طبقه تقسیم کرده است:

– کهن‌ترین اوپنیشادها به نثر که از آن جمله‌اند: بریهد آرنیکه، چاندگیه و آیتریه؛

– اوپنیشادهای منظوم، که بعد از گروه نخست قدیم‌ترین اوپنیشادها به شمار می‌روند:

ایشه، کتهه، شوتاشوتره، موندکه و مهاناراینه؛

– نوشته‌های منثور که از لحاظ زبان‌شناسی به سنسکریت کلاسیک نزدیک‌اند: پرشنه،

میتری یا میتراینه و ماندوکیه؛

– اوپنیشادهایی که بیشتر منثورند و به فرقه‌ها و مکاتب گوناگون فلسفی اختصاص یافته‌اند. مهم‌ترین اوپنیشادهای این گروه متعلق به مکتب یوگا هستند و به یوگه اوپنیشاد<sup>۱۸۹</sup> معروف‌اند. (Deussen 1966, pp. 23-26)

۱۸۵) آن را اوپنیکهت *Oupnekhat* نیز نامیده‌اند. (Radhakrishnan and Moore 1972, p. 21)

۱۸۶) اوپنیشاد (سزاکبر)، ترجمه محمد داراشکوه، به کوشش تارا چند و سید محمدرضا جلالی نایینی، انتشارات طهوری، تهران ۱۳۵۶.

187) Anquetil du Perron

188) Hume

189) Yoga Upaniṣad

این موضوع نشان می‌دهد که موضوع و محتوای *اوپنیشادها* نیز نمی‌تواند مشابه باشد. شاید بتوان گفت آنچه در همه *اوپنیشادها* به چشم می‌خورد گرایش به تأمل و تعمق است و جست و جوی حقیقتی که در پس پرده ظاهر امور نهفته است. (Keith 1970, pp. 492-493)

ماهونی نیز تقسیم‌بندی جالب دیگری پیشنهاد کرده است. به گفته وی، محققان قرن بیستم، براساس مطالعه و تحقیقی که بر روی ۱۲۳ *اوپنیشاد* انجام داده‌اند، آنها را از نظر تاریخی و محتوایی به دو گروه عمده تقسیم کرده‌اند: *اوپنیشادهای ودایی*؛ *اوپنیشادهای بعدی*.

*اوپنیشادهای ودایی* - تقریباً همه فرقه‌های ودایی ۱۰ تا ۱۸ *اوپنیشاد* را از متون موثق و معتبری که نازل شده‌اند یعنی از شروتی‌ها به شمار آورده‌اند. این گروه از *اوپنیشادها* را *اوپنیشادهای اصلی* نامیده‌اند که خود، از نظر تاریخی و متنی، به سه گروه تقسیم شده‌اند - تا حدودی شبیه به طبقه‌بندی دوئین که قبلاً به آن اشاره شد - به شرح زیر:

- قدیم‌ترین و نخستین *اوپنیشادها*: *بریه‌دآرنیکه*، *چاندگه*، *تیتیریه*، *آیتریه*، *کوشیتکی*، بخش‌های منثور کینه. تاریخ نگارش این *اوپنیشادها* پیش از بودا یعنی پیش از قرن ششم قبل از میلاد است. در میان آنها نیز، *بریه‌دآرنیکه* و *چاندگه* از بقیه قدیم‌ترند و کینه از بقیه جدیدتر است. این *اوپنیشادهای* منثور را شاکها یا مکاتب شرح و تفسیر ودایی تنظیم کردند. زبان آنها به سنسکریت ودایی شبیه است. در این متون، همواره از شیوه‌های تمثیلی و نمادین تفسیری استفاده شده و از نظر شیوه بیان از *آرنیکه*‌ها تمیز داده نمی‌شوند. به هر حال، این شش *اوپنیشاد* اصول و مبانی فلسفی دیگر *اوپنیشادها* به شمار می‌روند.

- گروه دوم مشتمل است بر کته (یا کتهکا<sup>۱۹۰</sup>)، ایشه، شوتاشوتره، موندکه، مهاناراینه، و قسمت‌های موزون و منظوم کینه. این گروه منعکس‌کننده وضعیت فرقه‌ای توسعه‌یافته‌اند و تاریخ نگارش آنها به قرن پنجم یا ششم قبل از میلاد بازمی‌گردد. علاوه بر آن، این آثار - که بیشتر منظوم‌اند - به شاکها یا مکاتب ودایی مربوط‌اند و در آنها از تعبیرهای مجازی و تمثیلی و نظایر آنها کمتر استفاده شده است.

- گروه سوم مشتمل است بر پرشنه، میتیری یا میتیراینیه، جاباله، و ماندوکیه. این دسته از *اوپنیشادها* منثورند و از نظر زبانی بیشتر به سنسکریت کلاسیک نزدیک‌اند تا به سنسکریت ودایی و احتمالاً در اواخر قرن پنجم و اوایل قرن چهارم قبل از میلاد نوشته

شده‌اند. البته این تاریخ دربارهٔ برخی از آنها چندان درست به نظر نمی‌رسد. تمامی اوپنیشادهای این گروه نیز از ملحقات و ضمائم روایات ودایی به ویژه بخش‌های مربوط به روحانیان آنها هستند. ایتَرِیَه و کوشیتکی به ریگ ودا اختصاص دارند. کتَهه، مَیتری، تَیترِیَه و شوَتاشوَتَرَه به کَرَشنه یجورودا یا یجورودای سیاه متعلق‌اند، در حالی که اوپنیشادهای بریهد آرنیکه، ایشه و پینگله با شوکله یجورودا یا یجورودای سفید مربوط‌اند. چاندُگیه و کِنه به سامه ودا تعلق دارند. اوپنیشادهای موندَکه، ماندوکیه، پَرَشنه و جاباله بخش پایانی ودا را تشکیل داده‌اند.  
 (Mahony 1995, p. 151)

به گفتهٔ داسگوپتا، اوپنیشادهای ودایی حتی نام و عنوان خود را از مکاتب یا گروه‌هایی که به مطالعه و بررسی وداها می‌پرداخته‌اند وام گرفته‌اند. به عنوان مثال، اوپنیشادهای چاندُگیه و تَلَوَکارَه<sup>۱۹۱</sup> یا کِنه، که به سامه ودا اختصاص یافته‌اند، عنوان خود را از دو گروه تاندین<sup>۱۹۲</sup> ها و تَلَوَکاره‌ها اقتباس کرده‌اند. از آن میان، از مکتب شوَتاشوَتَرَه اثری باقی نیست. شایان ذکر است که بیشتر اوپنیشادهایی که با اَتَهروَه ودا ارتباط یافته‌اند نام خود را از مکاتب ودایی اخذ نکرده‌اند بلکه عنوان آنها با موضوع آنها مربوط است. (Dasgupta 1969, vol. 1, pp. 30-31)

اوپنیشادهای بعدی - از ویژگی‌های عمومی این اوپنیشادها آن است که جزء متون مُنَزَل یا شُروتی به شمار نمی‌آیند و مفسران و شارحان آثار فلسفی نیز به آنها چندان توجه نکرده‌اند. این به معنای کم اهمیت بودن آنها نیست. آنها در جوامع و اجتماعات خاص خود بسیار مؤثرند و منعکس‌کنندهٔ تأثیر فراوان فلسفهٔ سانکھیَه<sup>۱۹۳</sup> (فلسفه و شیوهٔ عملی یوگا<sup>۱۹۴</sup>) در طی دوره‌های کلاسیک و میانه‌اند. بسیاری از اوپنیشادهای این گروه، حداقل از نظر اسمی، به اَتَهروَه ودا ملحق شده‌اند. این اوپنیشادها بیشتر به نثرند و تقریباً به طور کامل به زبان سنسکریت کلاسیک نوشته شده‌اند. شمار آنها بسیار است و از ذکر نام همهٔ آنها صرف نظر می‌کنیم.

اوپنیشادهای این گروه نیز خود به چند بخش و دسته تقسیم می‌شوند:  
 - اوپنیشادهای ودانته<sup>۱۹۵</sup> شامل موکتیکَه<sup>۱۹۶</sup>، پینده<sup>۱۹۷</sup>، گَرِبَه<sup>۱۹۸</sup>، آتَمَن<sup>۱۹۹</sup>، پَراناگنی هُتَرَه<sup>۲۰۰</sup>،

- |                                 |             |                         |
|---------------------------------|-------------|-------------------------|
| 191) Talavakāra                 | 192) Tāndin | 193) Sāṃkhya Philosophy |
| 194) Yoga practice and ideology |             | 195) Vedānta Upaniṣads  |
| 196) Mukṭika                    | 197) Piṇḍa  | 198) Garba              |
|                                 |             | 199) Ātman              |
| 200) Prānāgnihotra              |             |                         |



آدهی آتمن<sup>۲۰۱</sup>، و برهما و حدود ۲۴ اوپنیشاد دیگر. این گروه کم و بیش همان تعالیم و آموزه‌های اوپنیشادهای ودایی را بیان می‌کنند و تا حدی منعکس‌کننده تأثیر فرقه‌ای و تعصب آمیزند. تفاوت آنها با اوپنیشادهای ودایی در آن است که در تفاسیر سنتی ذکر نمی‌شوند و به آنها نیز استناد نمی‌شود.

— اوپنیشادهای یوگه که زمینه زاهدانه و مرتاضانه آنها بیش از اوپنیشادهای ودایی و اوپنیشادهای ودانته است و نظریات و روش‌های عملی یوگه را منعکس می‌کنند. این گروه مشتمل است بر اوپنیشادهای یوگه کُندلی<sup>۲۰۲</sup>، نادببندهو<sup>۲۰۳</sup>، شاندى لیه<sup>۲۰۴</sup>، یوگه تَتوه<sup>۲۰۵</sup>، تَجَبببندهو<sup>۲۰۶</sup>، هَسَسَه (هَمَسَه)<sup>۲۰۷</sup>، امری تَبببندهو<sup>۲۰۸</sup>، دهیا تَبببندهو<sup>۲۰۹</sup>، و راهه<sup>۲۱۰</sup>. این اوپنیشادها بر علم حضوری به ذات ازلی (آتمن) از طریق فنون خاص یوگه و نیز از طریق تمرکز بر هجای مقدس «ام» تأکید می‌کنند.

— اوپنیشادهای سَنیاسَه<sup>۲۱۱</sup> که، برای رهایی از چرخه بازپیدایی یا سَمساره<sup>۲۱۲</sup>، بر زندگانی زاهدانه و مرتاضانه سرگردان تأکید می‌کنند و راه‌هایی را که می‌توان از طریق آنها بدین مرحله دست یافت تعلیم می‌دهند. این گروه مشتمل است بر اوپنیشادهای ناردَپَری و راجَکه<sup>۲۱۳</sup>، بهیک شوگه<sup>۲۱۴</sup>، پَرَمَهَنَسَه<sup>۲۱۵</sup>، آشَرَمَه<sup>۲۱۶</sup>، و سَمنیاسَه (سَنیاسَه).

— اوپنیشادهای مَنترَه<sup>۲۱۷</sup> که بر تفسیرهای سرّی و رمزی صداها و هجاهاى خاص تأکید می‌ورزند و از جمله مشتمل اند بر رساله‌های تازه ساره<sup>۲۱۸</sup>، کَلی سَنتارَنَه<sup>۲۱۹</sup>، و نارایَنَه<sup>۲۲۰</sup>.

— اوپنیشادهای شیوه<sup>۲۲۱</sup> که شاید بتوان گفت نخستین و قدیم‌ترین اوپنیشاد این دسته اوپنیشاد شوتاشوترَه ودایی است که نقش رودره<sup>۲۲۲</sup> (طلیعه دار ودائی خدای شیوه<sup>۲۲۳</sup>) را در طلب و کوشش دینی<sup>۲۲۴</sup> می‌ستاید. معروف‌ترین اوپنیشادهای این گروه نیله رودره<sup>۲۲۵</sup>، کالاکنی رودره<sup>۲۲۶</sup>، کَی وِلِیه<sup>۲۲۷</sup>، آتَهروه شیرَس<sup>۲۲۸</sup> اند. همه این رساله‌ها شیوه را مظهر آتمن

201) Ādhyatman	202) Yoga Kuṇḍali	203) Nāḍabindhu	204) Śāndilya
205) Yogātattva	206) Tejobindhu	207) Haṃsa	208) Amṛtabindhu
209) Dhyānabindhu	210) Varāha	211) Saṃnyāsa Upaniṣads	
212) samsāra	213) Nāradaparivrājaka		214) Bhikṣuka
215) Paramahaṃsa	216) Āśrama	217) Mantra Upaniṣads	
218) Tārasāra	219) Kalisantāraṇa	220) Nārāyaṇa	221) Śaiva Upaniṣads
222) Rudra	223) A Vedic Precursor to the God Śiva		
224) The Religious quest		225) Nilarudra	226) Kālāgnirudra
227) Kaivalya	228) Atharvaśiras		

به شمار می‌آورند.

– اوپنیشادهای ویشنوه<sup>۲۲۹</sup> که در آنها بیشتر به شرح و تفسیر تجلیات و تجسمات گوناگون ویشنو، به عنوان صورت‌های نمایشگر آتمن، پرداخته می‌شود. برخی از سنت‌ها و روایات ویشنوه اوپنیشاد ایشه را به عنوان پیش‌مقدمه ودایی یا به عنوان قدیم‌ترین نماینده فرقه‌ای این دسته از اوپنیشادها به شمار آورده‌اند. نری سیمهه پوروتاپنیه<sup>۲۳۰</sup>، نری سیمهه‌ترتاپنیه<sup>۲۳۱</sup>، مها، رامه پوروتاپنیه<sup>۲۳۲</sup> و رامترتاپنیه<sup>۲۳۳</sup> رساله‌های این بخش‌اند. این طبقه‌بندی را ماهونی به دست داده است. (→ Mahony 1995, pp. 151-152)

چنان‌که پیش از این گذشت، کسانی نگارش اوپنیشادها را به کشتریه‌ها نسبت می‌دهند؛ اما کیت برآن است که برهمنان نیز در نگارش و تدوین اوپنیشادها سهم داشته‌اند. به گفته وی، اشاراتی که در خود اوپنیشادها به نقش طبقه کشتریه‌ها شده به هیچ وجه به معنای نفی نقش برهمنان نیست؛ زیرا، اگر چنین بود، برهمنان به حفظ و اشاعه اوپنیشادها علاقه نشان نمی‌دادند. در مراجعه به براهمنه‌ها و ریگ ودا ملاحظه می‌کنیم که در این متون از پادشاهان با عنوان بخشندگان و کسانی که به برهمنان کمک‌های مالی می‌کردند و به حمایت و پشتیبانی از آنان می‌پرداختند سخن به میان آمده است. از طرف دیگر، روحانیان و برهمنان، که از مراسم عریض و طویل قربانی دست کشیده بودند، ضروری دیدند که اندیشه‌ها و آموزه‌های خود را به نحوی بیان کنند. البته کیت احتمالات دیگری نیز داده است که، برای پرهیز از بسط مقال، از ذکر آنها خودداری می‌کنیم. (→ Keirh 1970, pp. 493-494; Geden 1958, p. 541; Apté 1988, pp. 443-444)

به هر حال، هرچند اوپنیشادها واکنشی در مقابل آیین پرستی خشک و تعصب‌آمیز طبقه برهمنان شمرده می‌شدند و در تدوین و تنظیم آنها طبقه کشتریه‌ها نقش اصلی را داشتند، اما به طور قطع و یقین نمی‌توان منکر سهم و تأثیر برهمنان در این آثار ارزشمند شد.

## منابع

شایگان، داریوش (۱۳۶۲)، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۲.

229) Vaiṣṇava Upaniṣads

231) Nṛṣimhottaratāpaniya

233) Ramottaratāpaniya

230) Nṛṣimha Pūrvatāpaniya

232) Rāmapūrvatāpaniya

- نویا، پُل (۱۳۷۳)، تفسیر قرآنی و زبان عرفانی، ترجمه اسماعیل سعادت، مرکز نشر دانشگاهی، تهران ۱۳۷۳.
- A Dictionary of Hinduism*, by Margaret and James Stutley, New Delhi 1977.
- APTE, V. M. (1988), "Religion and Philosophy", *The History and Culture of the Indian People, The Vedic Age* (vol. 1), ed. by R. C. Majumdar and A. D. Pusalkar, Bharatiya Vidya Bhavan, Bombay.
- Bloomfield, Maurice (1897), Introduction to *Hymns of the Atharva-Veda*, Delhi.
- Dandekar, R. N. (1995), "Vedas", *The Encyclopedia of Religion* (vol. 15), ed. Mircea Eliade, New York.
- DASGUPTA, Surendranath (1969), *A History of Indian Philosophy*, Cambridge University Press, Cambridge.
- (1927), *Hindu Mysticism*, Frederick Ungar Publishing Co., New York.
- DEUSSEN, Paul (1966), *The Philosophy of the Upanishads*, Dover Publications. ing, New York.
- GEDEN, A. S. (1958), "Upanishads", *Encyclopaedia of Religion and Ethics* (vol. 12); ed. James Hastings, Edinburgh.
- Ghosh, B. R. (1988), "Vedic Literature-General View", *The History and Culture of the Indian People, The Vedic Age* (vol. 1), R. C. Majumdar and A. D. Pusalkar (ed.), Bharatiya Vidya Bhavan, Bombay.
- HEESTERMAN, Jan C. (1995), "Vedism and Brahmanism", *The Encyclopedia of Religion* (vol. 15); ed. Mircea Eliade, New York.
- KEITH, Arthur Berriedale (1970), *The Religion and Philosophy of the Veda and Upanishads*, Delhi.
- MACDONELL, A. A. (1958), "Vedic Religion", *Encyclopaedia of Religion and Ethics* (vol. 12), ed. James Hastings, Edinburgh.
- MAHONY (1995), "Upanishads", *The Encyclopedia of Religion* (vol. 15), ed. Mircea Eliade, New York.
- MAX MÍLLER, F. (1965), Introduction to *The Sacred Books of the East, The Upanishads*, Motilal Banarsidass, Delhi.
- MEHENDALE, M. A. (1988), "Language and Literature, I. The Upanishads", *The History and Culture of the Indian People, The Vedic Age* (vol. 1), ed. R. C. Majumdar and A. D. Pusalkar, Bharatiya Vidya Bhavan, Bombay.
- The Principal Upanishads*, ed., intro and trans. by S. Radhakrishnan, London 1969.
- RADHAKRISHNAN, S. and Charles A. MOORE (1972), "General Introduction, History of Indian Thought", *A Source Book in Indian Philosophy*, ed. by S. Radhakrishnan and Charles A. Moore.
- RENOU, Louis (1961), *Hinduism*, George Braziller, New York.
- Upanishads*, translated by Patrick Olivelle, Oxford 1996.

